کی‌پاپ چگونه از سئول به تهران رسید؟ چرا محبوب شد؟ چطور تشکیلات را شکل می‌دهد؟

مارش شرقی

کیانا تصدیق‌مقدم
خبرنگار گروه فرهنگ

اواخر دهه ۸۰ که «جومونگ» و یارانش پا به تلویزیون گذاشته بودند، موج عجیب طرفداری از این سریال بین ایرانی‌ها به راه افتاده بود تا حدی که زمان پخش اقسانه جومونگ، خیابان‌های شهر خلوت می‌شد. بازار شایعات و خبر هم درباره اتفاقات و حواشی پخش این سریال هم گرم بود، مثلا گفته بودند یک جوان یاسوجی به خاطر علاقه به «سوسانو» هنرپیشه زن سریال جومونگ و مخالفت پدرش برای ازدواج با این زن، اقدام به خودکشی کرده یا مثلا خبری منتشر شده بود که نگهبان یک دامداری به علت تماشای سریال افسانه جومونگ غفلت کرده و همین باعث شده که ۹۰ رأس از گوسفندهای او را بدزدند. فارغ از اینکه چقدر این خبرها و شایعات درست بودند و اینکه اصلا چرا باید همه این تقصیرها را گردن جومونگ بیچاره انداخت، اتفاقاتی که در متن جامعه ایران رخ می‌داد هم از منظر فرهنگ عامه و هم از منظر رسانه‌ای محل بحث و جدل شد. پخش این سریال واکنش طیف‌های متنوع اجتماعی و سیاسی کشور ما را برانگیخت و به تفاسیر مختلف دامن زد. یک عده‌ای گفتند مگر خودمان کم افسانه و اسطوره داریم که رفتیم سراغ کره‌ای‌ها و حتی معتقد بودند که باید مانع پخش این سریال‌ها می‌گرفتند. اما یک عده هم بودند که در موافقت پخش این سریال‌ها می‌گفتند در دنیای امروز نمی‌شود که درهای خانه را به روی فرهنگ دیگری بست و اگر درزی را ببندی از پنجره می‌آیند و جومونگ هم یکی از آنهایی بود که به خانه ما ایرانی‌ها آمده است. واقعیتش این است که قبل از افسانه جومونگ، این یانگوم یا همان «جواهری در قصر» بود که پای سریال‌های کره‌ای را به ایران باز کرد و اصلا این موج سریال کره‌ای فقط مختص کشور ما نبود. مثلا سال ۱۳۸۵ که کشور عراق درگیر اشغالگری بود ملودرامی کره‌ای به نام «سونات زمستانی» در عراق پخش شد. جوزف نای استاد برآوازه روابط بین‌الملل معتقد است پخش این سریال در عراق یکی از موفق‌ترین نمونه‌های عملکرد قدرت نرم در سیاست بین‌الملل بود چون در آن سال‌ها به دلیل حضور ۳۲۰۰ سرباز کره‌ای در ائتلاف ایالات متحده در جنگ عراق، نفرتی آشکار در میان مردم علیه کره‌ای‌ها شکل گرفته بود اما محبوبیت «سونات زمستانی» که پیش از این در مصر هم به نمایش در آمده بود، توانست این تنش را به شکل موثر آرام کند. اما سوال اینجاست که چگونه پای این قهرمان‌ها و قصه‌های کره‌ای به کشورهای دیگر باز شد؟ آیا یک برنامه حساب‌شده و مدون پشت این نفوذ فرهنگی طراحی شده است؟ حالا هم که گفته می‌شود موسیقی کره‌ای در انواع مختلفش بین نوجوان‌های ایرانی طرفدار پیدا کرده است. مگر ما چقدر با کره‌ای‌ها اشتراکات فرهنگی داشته و داریم که حالا از آن سوی دنیا آمدند و در هنذفری و گوشی نوجوان‌های ما آواز می‌خوانند. اصلا چرا باید دولت کره اینقدر به دنبال شبکه‌های اجتماعی برسند و طرفداران زیادی هم در نقاط مختلف جهان دست و پا کنند. این موسیقی و گروه‌های مختلفش بین نوجوان‌های ایران طرفدار کم ندارد. افزایش ضریب نفوذ کی‌پاپ بین نوجوان‌های ایرانی می‌تواند از نظرگاه کارشناسان فرهنگ و رسانه تحلیل و بررسی شود از چند جهت اهمیت دارد: یکی از منظر و نگاهی تهدیدمحور که نسبت به فرآیند نفوذ و تاثیر آن بر اندیشه و هویت نوجوان‌ها هشدار می‌دهد و دیگر اینکه چگونه و با چه سازوکار مدیریتی این محتوای موسیقایی توانسته تا فواصلی دور از منشأ تولید، انتشار و انتقال یابد.

شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه قرار گرفتن نماهنگ‌های پاپ کره‌ای روی یوتیوب به مفهومی جهانی تبدیل شد. «کی‌پاپ‌ها» در یک همزیستی مسالمت‌آمیز با دنیای رسانه توانستند به بازدیدهای میلیاردی در شبکه‌های اجتماعی برسند و طرفداران زیادی هم در نقاط مختلف جهان دست و پا کنند. این موسیقی و گروه‌های مختلفش بین نوجوان‌های ایران طرفدار کم ندارد. افزایش ضریب نفوذ کی‌پاپ بین نوجوان‌های ایرانی می‌تواند از نظرگاه کارشناسان فرهنگ و رسانه تحلیل و بررسی شود از چند جهت اهمیت دارد: یکی از منظر و نگاهی تهدیدمحور که نسبت به فرآیند نفوذ و تاثیر آن بر اندیشه و هویت نوجوان‌ها هشدار می‌دهد و دیگر اینکه چگونه و با چه سازوکار مدیریتی این محتوای موسیقایی توانسته تا فواصلی دور از منشأ تولید، انتشار و انتقال یابد.

آیا گروه‌های کی‌پاپ می‌توانند رهبرهای خوبی برای ارتش خود باشند؟

فرهنگ موسیقی کی‌پاپ، اصطلاحات مرسوم خودش را بازتولید می‌کند مثلا به اعضای موسیقی کی‌پاپ، آیدل را می‌گویند. آیدل را می‌توان به دو شکل معنی کرد: یک را هرمز. حتی طرفداران این گروه‌های موسیقی هم تحت عناوین خاصی دسته‌بندی می‌شوند. مثلا به طرفداران گروه بی‌تی‌اس، «آرمی» یا همان ارتش می‌گویند و رابطه طرفداران با اعضای این گروه موسیقی، «فیگاق» به اسمی است که بریلیان انتخاب شده است. سربازان این ارتش موسیقی در فضای مجازی با یکدیگر در ارتباط هستند و آیدل‌های مورد علاقه‌شان را حمایت ویژه می‌کنند. این افراد که از طریق فضای مجازی با یکدیگر آشنا می‌شوند خودشان را یک خانواده می‌دانند که یک هدف مشترک دارند آن هم دوست داشتن هنرمندان گروه‌ها موسیقی‌شان است. یکی از کارهایی که لشکر مجازی علاقه‌مند به کی‌پاپ انجام می‌دهند آن است که متن ترانه‌های این گروه‌ها را در اینترنت به زبان‌های مختلف ترجمه کنند و به دنبال آن هستند که میزان محبوبیت این گروه را در دنیا بیشتر کنند. طرفداران این جنس موسیقی باور دارند که آیدل‌ها افرادی مؤثر در اتفاقات خوب زندگی‌شان هستند و معتقدند به واسطه این گروه‌ها امید به زندگی می‌گیرند و برای پیشرفت‌شان تلاش می‌کنند. از در که به اتفاقات روند توسعه فرهنگی و اقتصادی کره نگاه می‌کنید به نظر می‌رسد که مدیران کره‌ای در سیاستگذاری‌ای که برای تشکیل این گروه‌ها داشتند، خیلی دقیق و حساب‌شده عمل کردند و توانسته‌اند به کمک این بندهای موسیقی افکار نوجوانان و جوانان کشور را سرشکل دهند. موسیقی و کلیپ‌های این گروه‌ها، پیش از انتشار عمومی در یک دستگاه نظارتی کره‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد و این دستگاه‌ها تلاش می‌کنند محتوایی که تولید می‌شود، نوجوانان را از رفتارهای پرخطر دور نگه دارد و آیدل‌ها به عنوان الگویی آیدیه‌پرداز، امیدوار و موفق نشان داده شوند. اگرچه برخی معتقدند که این داستان از زمین چنین گروه‌های موسیقی‌ای، جریانی همچون شکل‌گیری فرقه‌های مذهبی، به وجود آمده است که طرفداران‌شان را به سمت پیروی کورکورانه از آیدل‌ها پیش می‌برد. با توجه به جنس سیاستگذاری موج کره‌ای هم بخواهیم به این گروه‌های موسیقی نگاه کنیم هم میزان نفوذ آیدل‌ها در فضای بین‌المللی هم قابل بررسی است. نوجوانان و جوانانی که در معرض این موسیقی قرار دارند به مرور زمان، با هویت تازه‌ای از فرهنگی بیگانه مواجه می‌شوند که متفاوت از شرایط زیستی خودشان است.

۴ گروه معروف کی‌پاپ

گروه‌های کی‌پاپ به‌واسطه عملکردشان چه از لحاظ صوتی و چه از لحاظ تصویری توجه نوجوانان و جوانان را در سراسر جهان به خود جلب کرده است. این گروه‌ها به نسبت میزان طرفدار دسته‌بندی می‌شوند. در ادامه چهار گروهی که محبوبیت بیشتری بین نوجوانان و جوانان دارند را معرفی کردیم.

بی‌تی‌اس

گروه بی‌تی‌اس به عنوان محبوب‌ترین گروه کی‌پاپ معروف است. این گروه که سال ۲۰۱۳ فعالیت خود را آغاز کرد، تبدیل به پدیده‌ای جهانی شد. موسیقی گروه اغلب ترکیبی از موسیقی الکترونیک، پاپ و هیپ‌هاپ است و به موضوعات حساسی مانند سلامت روان و روابط می‌پردازند.

در کمتر از یک دهه، این گروه بالغ بر ۲۴۰ جایزه دریافت کرده است. برخی از این جوایز عبارتند از: جایزه موسیقی آمریکا، جایزه آسیایی «موفقیت ویژه موسیقی»، جایزه رادیو BBC برای نوجوانان، جوایز موسیقی بیلبورد، جوایز موسیقی MTV Video، و حتی رتبه اول رهبران آینده پایداری جهانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۹. این گروه با محبوبیتی که در جهان دارد در موفعیت‌های مختلف اجتماعی کارزارهایی تشکیل می‌دهند و کنش‌های مختلفی دارند.

بلک‌پینگ

این گروه از زمان آغاز به کار با آلبوم «Square One» در سال ۲۰۱۶، در صدر جدول‌های داخلی و بین‌المللی بوده است. این گروه کی‌پاپ نامزد بیش از ۱۰۰ جایزه مهم شده است. در ۸ دسامبر سال ۲۰۱۹، این گروه برنده جایزه برترین هنرمند کره شد. علاوه‌بر این، اخیرا مجله تایمز این گروه موفق کی‌پاپ را در لیست معتبر خود گروه برتر آینده قرار داد. بلک‌پینک تاکنون طرفداران زیادی در شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های موسیقی به خود اختصاص داده است. آنها در سپتامبر ۲۰۲۱ به هنرمند موسیقی، با بیشترین مشترک یوتیوب تبدیل شدند. همچنین اعضای گروه در اینستاگرام چهار نفر اول با بیشترین فالوئر در کره هستند.

اکسو

این گروه۹ نفره کی‌پاپ در ابتدا در سال ۲۰۱۲ اولین اجرای خود را با ۱۲ نفر شروع کرد که بعدا براساس زیانی که به آن تسلط داشتند، به دو زیرگروه اکسومی و اکسوکی تقسیم شدند. موسیقی آنها را ترهایی مانند کی‌پاپ، پاپ، هیپ‌هاپ و آرآندبی (R&B) را در کنار ژانرهای موسیقی مانند دنس الکترونیک در خود جای داده است. اکسو موسیقی خود را به زبان‌های کره‌ای، چینی و ژاپنی اجرا می‌کند. این گروه به صورت متوالی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به عنوان یکی از پرنیج چهره تاثیرگذار در لیست سلبریتی قدرتمند کره توسط فوربز قرار گرفته است و از طرف رسانه‌ها نیز به عنوان «پادشاهان کی‌پاپ» شناخته شده‌اند. اولین آهنگ این گروه به اسم MaMa با موفقیت قابل توجهی روبه‌رو شد.

مانستااکس

این گروه از سال ۲۰۱۵ که کارش را آغاز کرد محبوبیت گروه از زمان آغاز به کار بعنی سال ۲۰۱۵ به اوج خود رسیده است. بعد از انتشار اولین آلبوم Trespass، این گروه کی‌پاپ به تدریج با آلبوم «The Clan» در صدر لیست آلبوم‌جهانی بیلبورد قرار گرفتند و به صحنه‌های اجرای بین‌المللی راه یافتند. آهنگ‌های جذاب و اعتیادآور گروه حتی به بازی‌های موبایل و درام‌های تلویزیونی کره هم راه پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۸ مانستااکس آلبوم‌هایی را منتشر کرد که موفقیت‌بی‌اندازه آنها و بر پی‌درپی و اجرادر مراسم‌های آمریکایی را به دنبال داشت و به‌عنوان اولین گروه در مراسم jingle ball همراه دیگر هنرمندان آمریکایی اجرا کردند.

اما این سه به‌عنوان شرکت مادر در زمینه سرگرمی شناخته می‌شوند.

استفاده از محبوبیت برای درآمدزایی؟

طی سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸، فروش سی‌دی در کره با رشد سریعی همراه بود درحالی که در همین بازه در اکثر کشورهای جهان فروش سی‌دی روند نزولی داشت، فروش سی‌دی در کره از ۷,۳۷ میلیون واحد در سال ۲۰۱۴ به ۲۱,۵۴ میلیون در سال ۲۰۱۸ رسید، درصورتی که تقریبا در همین بازه زمانی فروش سی‌دی در ایالات متحده از ۱۴۳ میلیون واحد به ۸۸ میلیون کاهش یافته بود. فکر می‌کنید چه دلیلی داشت چون در کره‌جنوبی، همانند سایر کشورها، شیوه غالب گوش دادن به موسیقی استفاده از گوشی‌های هوشمند بود، پس چرا باید فروش سی‌دی در این کشور، برخلاف بقیه نقاط دنیا، با رشد سه برابری مواجه شود؟ دلیلش این بود که شرکت‌های موسیقی کی‌پاپ سی‌دی را نه به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از بسته‌بندی محصول درقالب سی‌دی، بلکه مثل یک ترفند بازاریابی برای افزایش فروش کالاهای یادگاری به ارتش طرفداران دختر، در نظر گرفته بودند. کالاهای تکمیلی‌ای که در جعبه‌های ظاهرا گران قیمت این سی‌دی‌ها گنجانده می‌شد عبارت بودند از کتابچه‌ها و تصاویر و حتی بلیت‌های فرعه‌کشی مراسم‌های اختصاصی «ملاقات با هواداران». اکثر این طرفداران این اصلا دستگاه پخش سی‌دی نداشتند، اما این موضوع مانع افزایش شدید فروش سی‌دی‌های گروه‌های کی‌پاپ نبود.

این موضوع قطعا اولین و آخرین استفاده اقتصادی از این گروه نبود. اصلا یکی از دلایلی که دولت کره روی گروه‌های کی‌پاپ سرمایه‌گذاری کرد این بود که آن را تبدیل به یک برند کند تا بتواند از طریق آن اقتصادش را نجات دهد. فرهنگ در جریان توسعه قرار دارد، به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم برای رشد اقتصادی این کشور کاربرد دارد. از این منظر گسترش موج کره‌ای قابل توجیه است چون این موج به شدت بر فرهنگ معاصر، صنایع موسیقی، فیلم، تلویزیون و جنبه‌های رفتاری آنسان‌های مختلف در دنیا تاثیر گذاشت. این موج کره‌ای مواجهه جهانی با جامعه کره را اصلاح کرد و همان‌طور که افراد و گروه‌های کی‌پاپ بی‌نقص نشان داده می‌شد، محصولات کره‌ای هم به همین شکل در کشورهای دیگر به پیش می‌رفتند. درواقع دولت کره غیرمستقیم محصولاتش را تبلیغ می‌کرد. این گروه‌های موسیقی به دلیل اینکه صنعت کشور کره را به گردش درآورده است مورد حمایت دولت قرار گرفتند و سه شرکت سرگرمی‌ساز با نام‌های «ایم‌اف اینترتینمنت» و «وای‌جی اینترتینمنت» و «جی‌وای‌پی اینترتینمنت» به صورت متمرکز با آنها همکاری می‌کنند. البته شرکت‌های کوچک‌تری هم در این زمینه مشغول به کار هستند اینک این پروژه‌ها شکست می‌خورند. گذشته از شانس نه از منظر مدافریکی، از منظر اینکه در زمان مناسب و در مکان مناسبی قرار بگیرد. این گروه‌های موسیقی کره‌ای از جمله بی‌تی‌اس که الان به موفقیت‌های نصفه‌ونیمه‌ای رسیده‌اند، ممکن بود هرگز وجود نداشته باشند و در همان مراحل اولیه نتوانند از باند فروداگاه بلند شوند. کما اینکه شاید هزاران گروه دیگر موسیقی در کره هستند که نتوانستند به موفقیت اینها برسند. اما اینکه بخواهیم درباره عوامل موفقیت‌شان فراتر از شانس صحبت کنیم باید بگوییم کسانی که بی‌تی‌اس را برای ما درست کردند به صورت موفقیت‌آمیزی از عناصر دینی استفاده کردند. عناصری مثل اسطوره با کرگی، رنج که از دین مسیحیت گرفته شده و جذابیت‌هایی برای همه گروه‌ها از جمله گروه‌های غیرمذهبی دارد. اینها توانستند بی‌تی‌اس را به یک برند جهانی برای کره‌جنوبی تبدیل کنند. در فضای فرهنگی کیپاپ لوگی‌ت‌ولوگی شدیدی‌ترکار تمام است و موفقیت شعارهایتان موفقیت‌های بیشتری خواهد آورد. بنابراین وقتی شما وقتی شدید دیگر لوگی‌ت نیست برویدو رحمت بکشید که فرصت‌های بیشتری در اختیار شما قرار بگیرد. فرصت‌ها خودشان به سمت شما می‌آیند از جمله اینکه در رویدادهای مهم از آن گروه موسیقی دعوت می‌کنند تا از اعتبارش استفاده کنند و همزمان همین گروه موسیقی اعتبار بیشتری به دست خواهد آورد.

اگر بخواهیم موسیقی کی‌پاپ را در مختصات اقتصاد و بازار بررسی کنیم، این سوال مطرح است که این گروه‌های

ادامه از صفحه ۱۲

احسان شاه‌قاسمی، عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

بی‌تی‌اس از روش‌های داعشی استفاده می‌کند

کیانا تصدیق‌مقدم
خبرنگار گروه فرهنگ

موسیقی کی‌پاپ، چگونه شکل گرفت. گسترش یافت و چطور محبوب شد؟ این گروه‌های موسیقی که از دل کره و در انواع مختلف به کشورهای دیگر صادر می‌شد، برآمده از فرهنگ و آیین خاصی از جامعه کره هستند؟ آیا مصرف این موسیقی بین جوان‌ها و نوجوان‌های ایرانی یک تهدید است یا نه که، می‌توان از این موسیقی همچون قطعه مخدر استفاده کرد؟ این موسیقی هم تصور می‌کنید آزاد هستید ولی واقعیتش این است که راهی جز این ندارید که بی‌تی‌اس را بپرستید. فضاهای دینی این طور هستند. وقتی افراد وارد فضاهای دینی می‌شوند تحت تاثیر جو قرار می‌گیرند؛ ممکن است تغییر دین بدهند و مسلمان شوند، ممکن است تغییر دین بدهند و مسیحی شوند. شما ببینید در اولیل انقلاب چه تعدادی از دختر خانم‌هایی که با کمترین لباس بیرون می‌آمدند چادری شدند و الان به سن ۶۰ یا ۷۰ سالگی رسیده‌اند و همچنان چادری و مذهبی هستند. فضاهای دینی در تغییر تفکرات، نگرش‌ها و پارادایم‌ها به شدت قدرتمند هستند و بی‌تی‌اس این کار را انجام می‌دهد. بی‌تی‌اس شما را به جهان درون خودش دعوت می‌کند و مثل یک قیف است که شما از سر گشاد قیف وارد می‌شوید اما اگر بخواهید جلو بروید فقط یک راه دارید آن هم این است که از سر تنگ قیف خارج شوید؛ مسیرهای زیادی ندارید گرچه اول که می‌خواهید وارد قیف شوید به نظرتان می‌رسد که وارد یک فضای بزرگ شده‌اید.

کار دیگری که بی‌تی‌اس می‌کند این است که لذت‌های دنیوی و معنوی را باهم به شما می‌دهد. نیاز به دین فطری است. یعنی نیاز به پرسش جریان فراتر از خود. بی‌تی‌اس می‌گوید من هم مقدس هستم، بچه‌های من مثل مسیح با کره و رنج‌دیده هستند و هم امروزی هستند و لذت‌های امروزی مثل آواز خواندن، زیبا بودن و جذاب و مشهور بودن را به شما عرضه می‌کنند. البته آدمی که یک ذره فکر داشته باشد این مسائل را باور نمی‌کند؛ چون معمولا شما وارد یک مدرسه دخترانه می‌شوید و می‌بینید یک دختر ۱۲ ساله سر و کار دارید، می‌دانید فریب دادنش کار آسان‌تری است و بی‌تی‌اس دقیقا همین کار را می‌کند.

اینک این پروژه‌ها شکست می‌خورند. گذشته از شانس نه از منظر مدافریکی، از منظر اینکه در زمان مناسب و در مکان مناسبی قرار بگیرد. این گروه‌های موسیقی کره‌ای از جمله بی‌تی‌اس که الان به موفقیت‌های نصفه‌ونیمه‌ای رسیده‌اند، ممکن بود هرگز وجود نداشته باشند و در همان مراحل اولیه نتوانند از باند فرودگاه بلند شوند. کما اینکه شاید هزاران گروه دیگر موسیقی در کره هستند که نتوانستند به موفقیت اینها برسند. اما اینکه بخواهیم درباره عوامل موفقیت‌شان فراتر از شانس صحبت کنیم باید بگوییم کسانی که بی‌تی‌اس را برای ما درست کردند به صورت موفقیت‌آمیزی از عناصر دینی استفاده کردند. عناصری مثل اسطوره با کرگی، رنج که از دین مسیحیت گرفته شده و جذابیت‌هایی برای همه گروه‌ها از جمله گروه‌های غیرمذهبی دارد. اینها توانستند بی‌تی‌اس را به یک برند جهانی برای کره‌جنوبی تبدیل کنند. در فضای فرهنگی کیپاپ لوگی‌ت‌ولوگی شدیدی‌ترکار تمام است و موفقیت شعارهایتان موفقیت‌های بیشتری خواهد آورد. بنابراین وقتی شما وقتی شدید دیگر لوگی‌ت نیست برویدو رحمت بکشید که فرصت‌های بیشتری در اختیار شما قرار بگیرد. فرصت‌ها خودشان به سمت شما می‌آیند از جمله اینکه در رویدادهای مهم از آن گروه موسیقی دعوت می‌کنند تا از اعتبارش استفاده کنند و همزمان همین گروه موسیقی اعتبار بیشتری به دست خواهد آورد.

یکی از دغدغه‌هایی که بین جامعه مدرن ایران و به‌خصوص مدیران فرهنگی مطرح می‌شود، موضوع افزایش نفوذ فرهنگی فراتر از مرزهای ایران است. آیا نفوذ موسیقی کی‌پاپ در کشورهای دیگر را می‌توان به عنوان یک تجربه موفق در نظر گرفت و الگوی آن را برای هنر و فرهنگ ایرانی پیاده‌سازی کرد؟

فرهنگ ایران یک فرهنگ بزرگ است. فرهنگی است که در آن حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی و خیام دارد. من وقتی سر کلاس درس می‌دهم برای شاگردانم حتما از نبوغ اینها می‌گویم. اینها اصلا با شاعران کشورهای دیگر قابل مقایسه نیستند. وقتی شعرهای این گروه‌ها را ترجمه می‌کنید بخش زیادی از ارزش در گفته‌هایشان ازبین می‌رود. ما نیازی نداریم مثل بی‌تی‌اس یک راهبرد حرام‌زاده، که نه کره‌ای است نه غربی بلکه عناصری از هردو را گرفته و جعل کرده استفاده کنیم. سریال‌های کره‌ای هم همین‌طور هستند. شما نگاه کنید رقابت میان شرکت‌ها است. اصلا ۵۰ سال پیش ۱۰۰۰ سال پیش رقابت کجا بود؟ اینها همگی مفاهیم مدرن هستند. تمام مفاهیم مدرن را شما در سریال‌های کره‌ای می‌بینید که درست می‌کنند. اینها یک فضای حرام‌زاده است؛ یعنی هرگز وجود نداشته است. کره فرهنگ چند هزار ساله دارد اما چیزی برای عرضه ندارد جز چیزی که وانمود می‌کنند که کره‌ای است و باید دانست که هرگز کره‌ای نیست. در واقع مال هیچ جا نیست.

اما وضعیت برای ما فرق می‌کند، ما فرهنگی داریم که اتفاقا خودش، خودش را جلو می‌برد. مسئولان فرهنگی ما طوری عمل می‌کنند که اتفاقا فرهنگ بتواند نفوذ کند. من نقدی روی شبکه کی‌پاپ به خصوص بی‌تی‌اس که الان محبوب‌ترین گروه کره‌ای در ایران است چند راهبرد جدی و چند راهبرد غیرجدی دارد که اینها در کنار هم باعث می‌شود؛ مجتوا هایی که این گروه می‌سازد جذاب شوند. یکی از مهم‌ترین راهبردهایش این است که شما را در یک فضای فکری قرار می‌دهد که در آن آزاد هستید. یا شاید هم تصور می‌کنید آزاد هستید ولی واقعیتش این است که راهی جز این ندارید که بی‌تی‌اس را بپرستید. فضاهای دینی این طور هستند. وقتی افراد وارد فضاهای دینی می‌شوند تحت تاثیر جو قرار می‌گیرند؛ ممکن است تغییر دین بدهند و مسلمان شوند، ممکن است تغییر دین بدهند و مسیحی شوند. شما ببینید در اولیل انقلاب چه تعدادی از دختر خانم‌هایی که با کمترین لباس بیرون می‌آمدند چادری شدند و الان به سن ۶۰ یا ۷۰ سالگی رسیده‌اند و همچنان چادری و مذهبی هستند. فضاهای دینی در تغییر تفکرات، نگرش‌ها و پارادایم‌ها به شدت قدرتمند هستند و بی‌تی‌اس این کار را انجام می‌دهد. بی‌تی‌اس شما را به جهان درون خودش دعوت می‌کند و مثل یک قیف است که شما از سر گشاد قیف وارد می‌شوید اما اگر بخواهید جلو بروید فقط یک راه دارید آن هم این است که از سر تنگ قیف خارج شوید؛ مسیرهای زیادی ندارید گرچه اول که می‌خواهید وارد قیف شوید به نظرتان می‌رسد که وارد یک فضای بزرگ شده‌اید.

البته این پروژه‌ها شکست می‌خورند. شانس هم هست. شانس نه از منظر مدافریکی، از منظر اینکه در زمان مناسب و در مکان مناسبی قرار بگیرد. این گروه‌های موسیقی کره‌ای از جمله بی‌تی‌اس که الان به موفقیت‌های نصفه‌ونیمه‌ای رسیده‌اند، ممکن بود هرگز وجود نداشته باشند و در همان مراحل اولیه نتوانند از باند فرودگاه بلند شوند. کما اینکه شاید هزاران گروه دیگر موسیقی در کره هستند که نتوانستند به موفقیت اینها برسند. اما اینکه بخواهیم درباره عوامل موفقیت‌شان فراتر از شانس صحبت کنیم باید بگوییم کسانی که بی‌تی‌اس را برای ما درست کردند به صورت موفقیت‌آمیزی از عناصر دینی استفاده کردند. عناصری مثل اسطوره با کرگی، رنج که از دین مسیحیت گرفته شده و جذابیت‌هایی برای همه گروه‌ها از جمله گروه‌های غیرمذهبی دارد. اینها توانستند بی‌تی‌اس را به یک برند جهانی برای کره‌جنوبی تبدیل کنند. در فضای فرهنگی کیپاپ لوگی‌ت‌ولوگی شدیدی‌ترکار تمام است و موفقیت شعارهایتان موفقیت‌های بیشتری خواهد آورد. بنابراین وقتی شما وقتی شدید دیگر لوگی‌ت نیست برویدو رحمت بکشید که فرصت‌های بیشتری در اختیار شما قرار بگیرد. فرصت‌ها خودشان به سمت شما می‌آیند از جمله اینکه در رویدادهای مهم از آن گروه موسیقی دعوت می‌کنند تا از اعتبارش استفاده کنند و همزمان همین گروه موسیقی اعتبار بیشتری به دست خواهد آورد.

برخی موسیقی کی‌پاپ را تحت عنوان فرهنگ همبردی تحلیل می‌کنند به این معنا که تلفیقی از افق‌های فرهنگی شرق با دنیای مدرن اروپایی‌آمریکایی است. به نظر شما می‌توان به کمک همین روش فرهنگ همبردی، افق‌های فرهنگی ایرانی اسلامی را متنقل کرد؟

بله ما هم می‌توانیم! اینجا این استفاده کنیم و کاری است که بی‌تی‌اس و گروه‌های دیگر با موفقیت انجام داده‌اند منتها نیازی به این کار نداریم. ما اجازه نمی‌دهیم که موسیقی سنتی‌ای که داریم این گونه بگیرد و آن را سرکوب می‌کنیم. اجازه نمی‌دهیم آواز سنتی ما به حرکت درآید. شهر تهران پر از آموزشگاه‌های زنان کره‌ای است و برای خودشان فعالیت می‌کنند اما خوانده‌ای مثل شجریان با محدودیت‌های زیادی برای اینکه کار عادی خودش که خوانندگی بود را انجام دهد، روبه‌رو بود. اینها را ما باید تقویت کنیم. بی‌تی‌اس یک بادی است که می‌آید و رد می‌شود اما آواز همایون شجریان و محمدرضا شجریان و علیرضا قربانی و سالار عقیلی و... برای همیشه ثبت‌شده و خواهد ماند. شما مطمئن باشید ما اگر فرهنگ را تقویت کنیم با آزادش بگذاریم و کاری به کار آن نداشته باشیم، نیازی به این نیست که ما آبروی خودمان را با درست کردن گروهی مثل بی‌تی‌اس در ایران ببریم و فرهنگ خودمان را سرخم و جعل کنیم و دروغ بگوییم که بتوانیم بخشی از ارزش‌های خودمان را صادر کنیم.

در مصاحبه‌ای گفته بودید که کی‌پاپ مرز نژادی را در جامعه ایران تغییر داده است. کمی در این مورد توضیح دهید. به نظر شما الان این مسأله یک تهدید برای جامعه ایران است یا فرصتی است برای شناسایی گستره تازه‌ای از یک جامعه نژادی دیگر؟

ما در غرب با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که بیش از ۱۰ درصد جمعیت آمریکا سیاه‌پوست هستند. از یکی دو سال پیش تعداد بچه‌های سفیدپوستی که در آمریکا به دنیا می‌آید کمتر از ۵۰ درصد است. جامعه‌ای است که نژادهای مختلفی در آن هستند. این جامعه نمی‌تواند بگوید این نژادها برای من در دسر هستند مجبور است فرار رو بدهد جلو کند و بگوید اتفاقا جامعه‌ای خوب است که همه نژادی در آن باشد. جامعه چندنژادی بسیار بد است و جامعه‌ای است که شما به صورت پیوسته مجبورید روش‌هایی را پیاده کنید که بتوانید بچه‌ها را در مدرسه کنار هم بنشانید و این مشکلاتی است که ما ایرانی‌ها هرگز آن را نداشتیم. یعنی برای ما قابل تصور نیست چون ما تقریبا همگی از یک نژاد هستیم. مساله من با بی‌تی‌اس این است که نوجوانان ایرانی الان کره‌ای‌ها به خاطر نژادشان می‌پرستند و بعد که شما می‌گویید اینها معلوم نیست زن هستند یا مرد یا کودک هستند یا برزگسال تازه اگر نژادپرستی می‌زنند. شما وقتی اینها را می‌پرستید و می‌گویید صورت‌شان صاف صاف است، این یک ایده نژادی نیست؟ اینکه چشم‌های بادامی زیبا و اینها را می‌آیید می‌گویید، آیا فقط و فقط مثبت را حساب می‌کنید؟ گذشته از این، شما اگر به شرق سفر کرده باشید آدم‌های زیادی به آنجا می‌آیند و احساس خودکم‌بینی دارند. چرا؟ چون چشم‌هایشان بادامی است. یعنی کره‌ای‌ها سالانه صدها هزار عمل چشم انجام می‌دهند که مثل ما ایرانی‌ها شوند و بعد ما ایرانی‌ها خودمان را به بدبختی انداختیم و حسرت می‌خوریم که مثل کره‌ای‌ها نیستیم. خود کره‌ای‌ها هم نژادپرست هستند و نژاد هند و اروپایی را که ایرانی‌ها هم بخشی از آن هستند را می‌پرستند. حتما تغییر نژادی در ایران در سال‌های آینده اتفاق خواهد افتاد و این تهدید بزرگی برای امنیت جامعه است. به دلیل اینکه تا الان هرگز برگی که شاهدش هستیم سر اصلاح‌طلب و اصولگراست و برانداز و سبک زندگی است و درگیری نژادی نداریم. درگیری نژادی قابل حل نیست. شما می‌بینید یک نفر امروز اصول‌گرا است و فردا پشیمان می‌شود یا بالعکس. یک فردی دیروز پاسدار بوده و امروز برانداز است. اما شما وقتی یک سیاه‌پوست یا یک چینی باشید هیچوقت نمی‌توانید تبدیل به یک ایرانی شوید. بنابراین شکاف نژادی حل نمی‌شود و جامع را از درون می‌خورد و پودر می‌کند.

گفته می‌شود که «وزارت خانواده و برابری جنسیتی» در کشور کره، مسئول نظارت بر محتوای کی‌پاپ است و درنتیجه این کنترل فراگیر، بسیار بعید است که در ترانه‌های کی‌پاپ یا گروه‌های دیگر با اشاره آشکار به رابطه جنسی، مواد مخدر، الکل، نفرت‌پراکنی، خشونت و... روبه‌رو شوید. این درحالی است که در انواع موسیقی غربی کمتر با این جنس نظارت مواجهیم. به نظر می‌رسد که این مدل نظارت بر محتوای کی‌پاپ باعث شده که خانواده‌ها برای مصرف این جنس موسیقی بین نوجوان‌ها رواداری بیشتری داشته باشند. به نظر شما موسیقی‌ای که با چنین مختصات نظارتی طراحی شده، چه آسیب‌هایی برای نوجوان ایرانی خواهد داشت؟

وقتی که افراد می‌خواهند از یک گروه موسیقی بی‌ارزش حمایت کنند برای خودشان استدلال می‌آورند و این استدلال‌ها را پشت هم می‌چینند مثلا اینکه وزارت خانواده و برابری جنسیتی وجود دارد، اینها همه توجیه است. شما با یک عده پسری که معلوم نیست پسر هستند یا دختر سر و کار دارید که آرایش می‌کنند و دو نفر از آنها متهم به همجنس‌گرایی هستند. حالا شما یا و بگویند در فرهنگ کره ما همجنس‌گرایی نداریم، آنجا آرایش مد است. اصلا من نمی‌دانم اینها از کدام کره صحبت می‌کنند. من زمانی که انگلیس بودم با کره‌ای‌های زیادی ارتباط داشتم و هرگز ندیدم کسی آنها آرایش کند. اینها توجیهاتی است به دلیل اینکه افراد نمی‌توانند با نوجوانان در ایران مقابله کنند یا پدر و مادرها زورشان به بچه‌ها نمی‌رسد و خودشان را توجیه می‌کنند.

شما نیازی به ادعای وزارت خانواده و برابری جنسیتی ندارید، گروه را که ببینید دیگر نیاز نیست ببینید سازمانی بر اینها نظارت دارد یا خیر. واقعیت این است یکی از ارزش‌های لیبرال حمایت از همجنس‌گرایی است و آنها تردید جنسی دارند، یعنی من آرا طور شخصی که همزمان حافظ قرآن است و هوادار بی‌تی‌اس. اینها را نباید باور کنیم. ما در دانشگاه‌ها رجع به اینها پژوهش انجام دادیم و همچنان هم انجام خواهیم داد. همه پژوهش‌ها مسائلی را نشان دادند که من توضیح دادم. چیزهای بدتری هم وجود دارد، همجنس‌گرایی در بین هواداران بی‌تی‌اس در ایران وارد شده، رابطه جنسی رواج دارد، آرمی‌ها یکدیگر را می‌شناسند و یکدیگر را پیدا می‌کنند و در از چشم پدر و مادرها با یکدیگر قرار می‌گذار